



گپ و گفت

ضمیمه نوجوان

شماره ۳۹ ■ ۲۰ آذر ۱۳۹۹

نوجوانان



فاطمه کریمی



بزرگترین نیاز  
دختران کشور  
خودباوریه  
اساسا دختران  
نیاز دارن خیلی  
بیشتر خودشون  
رو باور کنن و  
اعتماد به نفس  
داشته باشن  
و این که نیاز  
ندارن دیگران  
تحسین شون  
کنن

# گفت وگو با مژده لواسانی، مجری محبوب دختران نوجوان تصمیمات مهم زندگی ام را قبل ۱۸ سالگی گرفتم

خیلی از کسانی که سراغشان می رویم و با آنها گفت وگو می کنیم ممکن است دغدغه نسل نوجوان را داشته باشند ولی بعید است از نوجوانی این مسیر را تجربه کرده باشند. اما مژده لواسانی که مثلا در ۱۴ سالگی مجری یک برنامه تلویزیونی ویژه نوجوانان بود با عنوان «کیوتر دات کام»، خوشبختانه هنوز هم دغدغه های نوجوان ها را دارد و البته بین ده هشتادی ها حسابی هم محبوب است. این شما و این خانم لواسانی.

## پشت در ۱۸ سالگی

هر چیزی که الان دارم از دوره نوجوونی به دست آوردم. به همین دلیل به شدت به نوجوونا ایمان و باور دارم؛ ولی افرادی هم هستن که نوجوون رو اساسا باور ندارن. من فکر می کنم این افراد، احتمالا نوجوانی خودشون رو جدی نگرفته بودن. به نظرم مهم ترین و اصلی ترین دوره زندگی هر انسانی نوجوونیه، من به شخصه مهم ترین تصمیم های زندگی من رو قبل از ۱۸ سالگی گرفتم و معتقدم همه اتفاقاتی های خوب پشت در هجده سالگی برامون میفته. به همین دلیل همیشه گفتم تا قبل از ۱۸ سالگی بدویند چی می خواین و چه هدفی دارید. البته نقش خانواده هم در این تصمیم بزرگ بسیار مهمه.

## تجربه

خب من این توفیق رو داشتم که از کودکی در رادیو بودم و اونجا بزرگ شدم. اما وقتی در ۱۶ سالگی جایگاه سردبیری یه برنامه رو تجربه می کردم، خوب یادم هست بزرگان حرفه؛ یعنی تهیه کننده ها و سردبیرهایی که من جای بچه شون بودم، حسشون نسبت به من این بود که این بچه چطوری می تونه از پس کار بر بیاد و من خیلی جنگیدم تا خودم رو ثابت کنم. البته این رو بگم که شاید بعضی ها بر این باورند که پارتی داشتن خیلی مهمه و نقش بسیار زیادی در موفقیت هر انسانی داره؛ اما اصلا اینطور نیست. شاید پارتی داشتن برای ورود انسان به هر حرفه ای نقش داشته باشه، اما برای ماندگاری و محبوب شدن بین مردم اصلا کارآمد نیست. فقط کار خوب و البته خروجی خوب، آدم رو معرفی می کنه و باعث میشه بین مردم محبوب بشی.

## شاعرانگی

خب من الان در آستانه دومین مجموعه از اشعارم هستم گرچه برخی براشون سخته و فکر می کنن یکی مثل من فقط باید در همون حوزه اجرا فعالیت کنه در حالی که نویسندگی من بر می گرده به ده دوازده سالگی. حس خوب چاپ شدن شعرم رو هیچ وقت فراموش نمی کنم و نخواهم کرد. جالبه بدویند حتی فکرش من نمی کردم شعرم چاپ بشه؛ اونم تو ضمیمه دو چرخه همشهری. باخودم می گفتم مژده لواسانی دیگه شاعر شده حتی بعد از چاپ شدن شعرم زنگ زدن و گفتن شعر شما برگزیده آثار اسالی شده و قراره همایشی در وزارت کشور برگزار بشه و با حضور رئیس جمهوری شما باید شعرخوانی کنی، که قشنگ ترین حس دنیا رو برای من داشت. برای همین به شما نوجوانای ها هم تبریک می گم که دارید از همین سن تجربه جدی در حوزه نویسندگی رو انجام می دید.

## پادکست خودت رو داشته باش

شاید خیلی از نوجوونا باشن که علاقه زیادی به فعالیت در حوزه رسانه داشته باشن. این روزها با رشد تکنولوژی، یه جاهایی کار کردن در این زمینه سخته چون باید خیلی خلاقانه کار کنی و البته یه جاهایی هم به دلیل انحصاری بودن راحت تره. یعنی هر کس که بخواد می تونه کار خودش رو داشته باشه و مثلا پادکست اختصاصی تولید کنه. در صورتی که اصلا زمان ما به این شکل نبود و خیلی سخت بود. خب همونطور که گفتم من از ۱۶ سالگی سردبیری کردم توی رادیو. اون زمان در رادیو حتی سیستم کامپیوتری هم وجود نداشت و من باید ریل های برنامه رو با چسب و تیغ ادیت می کردم و چقدر هم دستم رو بریدم. برای همین که بارها گفته ام همه چیز برای این نسل فراهمه.

## اگه هم نسل شما بودم

اگه من جزئی از نسل حال حاضر کشورمون بودم یعنی نوجوون ها، مطمئنا یک رادیوی شخصی داشتم یا یک برنامه اختصاصی خودم رو تولید می کردم. اما الان که دارم باخودم فکر می کنم می بینم که واقعا تنوع طلبی این نسل بخشی از کار رو سخت می کنه چون نوجوون این نسل خیلی حق انتخاب داره و همین انتخاب های زیاد کار آدم رو سخت می کنه. من دقیق یادمه در زمان ما تنها یک برنامه نوجوان بود که در رادیو پخش می شد؛ اما الان به این شکل نیست و باید خیلی خلاقانه کار کرد.



## تقلید نکنیم!

من الگوهای زیادی در زندگی من داشتم. در حوزه های مختلف با نگاه به آدم های مختلف کردم و سعی می کردم تجربه کسب کنم. اما هیچ وقت از کسی تقلید نکردم. همیشه به همه نوجوونا گفتم در حوزه رسانه یا هر جای دیگه، هرگز از کسی تقلید نکنین چون اگه تقلید کنی دیگه خودت نیستی و اثری از خودت نداری و به نظرم تازگی آدم ها به اینه که خود خودشون باشن. من به شخصه اصلا تقلید رو نمی پسندم حتی اگه تقلید از خود من باشه و یه نوجوون عزیز ی تلاش کنه که مثلا شبیه من اجرا کنه.

## الگو بودن

بعضی از نوجوونا هستن که چه در محل کار، چه در کوچه و خیابون یا در فضای مجازی بارها بهم گفتن خانم لواسانی شما الگوی ما هستی. اولا الگو فقط ائمه اطهار هستن که پاک ترین انسان ها هستند. ثانیا من هم آدمم و اشتباه می کنم. البته همیشه تلاش کردم نوجوونا از این همراهی بامن سرخورده نشن. بارها شده که حالم خیلی خوب نبوده و حوصله نداشتم. ولی سعی کردم در مقابل دیگران آرامش خودم رو حفظ کنم و جوری رفتار کنم که اگر کسی من رو می بینه رفتار غلطی نداشته باشم. مخصوصا که در دنیای امروز فضای مجازی باعث شده یه عده تحت عنوان فن پیج لطفشون رو به رخت می کشن و این یه بار بزرگتری روی دوش امثال من ایجاد می کنه که مواظب رفتارمون باشیم.

## حال خوش

برخی فکر می کنن ماها دیگه هیچ مشکلی نداریم و دائم خوشحال و سرخوشیم. ولی اینطوری نیست و من هم خیلی وقت ها خسته می شم یا احساس دلنگی دارم. البته خوشبختانه من یک منبع آرامش و الهام هم دارم. هر وقت حالم خوب نباشه منبع الهام من رفتن به پابوس آقا علی ابن موسی الرضاست. اگر هم شرایطش نباشه که به پابوس آقا برم، از خوندن یک بیت سعدی یا مولانا خیلی انرژی می گیرم و حالم خوب میشه.

## کاملا دخترانه

همیشه گفتم که دختران نیمی از دنیا هستند و نیمی دیگر ارامی سازن. بزرگترین نیاز دختران کشورم خودباوریه. اساسا دختران نیاز دارن خیلی بیشتر خودشون



رو باور کنن و اعتماد به نفس داشته باشن و این که نیاز ندارن دیگران تحسین شون کنن. من بارها در برنامه کاملا دخترانه گفتم که پدر نقش بسیار مهمی در پرورش استعداد دخترش داره. پدرها باید تا می تونن از دخترانشون حمایت کنن و سعی کنن با اون ها دوست بشن. چون تمامی دلگرمی یک دختر پدرشه که مثل یک کوه پشتش ایستاده و حمایتش میکنه. من مژده لواسانی، تک فرزندم و یک مادر خیلی صبورو همیشه رفیق دارم و یک پدری که واقعا اعتماد قدم های من بوده و هست، به همین دلیل خیلی راحت می تونم این موضوع رو درک کنم. چون تنها دلگرمی یک دختر اعتماد پدر و مادرشه.

## بزرگترین نگرانی - بزرگترین آرزو

بزرگترین نگرانی و ترس من از عاقبت بخیریه، چون فکر می کنم تو این جامعه با این شرایط واقعا سخته. اما باورم همیشه این بوده که اگر چیزی باعث صلاح و خیر کسی باشه مطمئنا خود خدا و اهل بیت هم کمک می کنن و همین ها باعث میشه دوباره انگیزه بگیرم و به مسیرم ادامه بدم. یه بار وقتی رفتم زاهدان، دختر بچه کوچیکی بغلم کرد و گفت من «کاملا دخترانه» رو می بینم و خودم رو باور می کنم. همین ها باعث میشه انرژی بگیرم و با امید بیشتری به مسیرم ادامه بدم. اما آرزوی بزرگ زندگی من اینه که یه جایی برسم که هم لیخند رضایت خدا رو همراه داشته باشم و هم آرامش و شادی و لیخند رضایت خودم! البته می دونم تلاقی این دوتا، یکم سخته؛ ولی همیشه بزرگترین آرزوی من همین بوده.

## خطاب به دهه هشتادی

به همه نوجوونای دهه هشتادی که من باور دارم خیلی از نسل من باهوش ترن و باور دارم خیلی از نسل من پیشرفته تر و خیلی بیشتر توانا تر هستند می خوام بگم؛ به خودتون ایمان داشته باشید که فردای این کشور به دست شماست، این که فردای جامعه رو شماها می سازید و این نسل شماست که می تونه فردای بهتری بسازه بنابراین ازتون می خوام که خودتون رو به شدت باور داشته باشید و من مطمئنم و البته معتقدم که پرچم این نسل بالاست و هر برای بالا نگه داشتن این پرچم هر کجا و هر کمکی از دستم بر بیاد انجام میدم و کنارتون خواهم بود.